



بررسی دلایل طلاق

از نگاه دکتر شهربانو قهاری مشاور و روان‌درمانگر

طلاق می‌گیریم چون راحت طلب شده‌ایم

بدون شک در بروز طلاق عوامل متعدد شخصیتی و اجتماعی دخیل است، لیکن طی سال‌های گذشته سهم عوامل اجتماعی در این زمینه افزایش یافته است. آنچه می‌خوانید چکیده‌ای از یک گفت‌وگوی مشروح با دکتر شهربانو قهاری، استاد دانشگاه و روان‌درمانگر است که به تجربه او در اتاق‌های مشاوره و مواجه شدن با آدم‌هایی که در آستانه طلاق قرار گرفته‌اند یا در حال تجربه جدایی و طلاق‌اند، می‌پردازد. او در این گفت‌وگو به برخی از عوامل ناشی از تغییرات سبک زندگی که منجر به طلاق می‌شود پرداخته است. ■■■

بدون شک طلاق یک علت به‌خصوص ندارد که شما با آن یک علت به‌خصوص پرونده‌اش را بساز کنید و مختومه‌اش کنید چون طلاق در یک بستر و زمینه ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌هایی که فرد به آنها باور دارد و مسائل اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. البته این سال‌ها طلاق متأثر از تحولاتی بوده که با سرعت خیره‌کننده‌ای در زندگی ما رخ داده و این تحولات و پیشرفت‌های فناوری باعث شده شکاف‌هایی بین نسلی بیشتر شود. یعنی اگر قبلاً ۱۰ سال فاصله بین دو نسل بود امروز دیگر این فاصله کوتاه‌تر شده، بنابراین گاهی احساس می‌شود نسل جدید با دو، سه نسل پیش از خود زبان مشترک ندارد. این تحولات فناوری که امروز در زندگی ما وارد شده ارزش‌های همسو با خود را هم آورده، ارزش‌هایی که عموماً به تعارض با ارزش‌های قدیمی هستند. به نظر می‌رسد این‌س سال‌ها روحیه خودمحوری و خودبینی در میان ما تقویت شده است. شما اگر نگاه کنید می‌بینید دو نسل پیش والدین ما شرایط نایسامان را به خاطر اعتقادات مذهبی و باورهایی که داشتند تحمل می‌کردند اما امروز شما این صدمای بلند را در دل روابط اجتماعی و بین فردی ما می‌شنوید که مگر آدم چند بار به دنیا می‌آید؟ یعنی مثلاً من چند بار زندگی خواهم کرد که صبح تا شب به فکر دیگران و غمخوار آنها باشم. این جادر واقع اصل لذت بردن من فقط یک مصرف‌کننده باشد. در واقع به زندگی به عنوان یک امر ساختنی نگاه می‌کردند نه یک امر مهیا و آماده اما جوان‌های امروزی فکر می‌کنند زمانی پای خود را باید در زندگی مشترک بگذارند که همه چیز از قبل مهیا و ساخته شده باشد و آنها فقط برون و مصرف‌کنند. چه پسر و چه دختر گاهی تصوراتشان این است که کوچک‌ترین تاکامی و مرارتی در زندگی نباید باشد. ما یک جور اخلاق رفیقاژه را در این نسل شاهدیم و همین اخلاق، افراد را آسیب‌پذیر کرده است چون به این فکر نمی‌کنند که خوشبختی یعنی این که من برابر مشکلات درباری کنم، تاب بیآورم و آن زندگی‌ای که دوست دارم بسازم نه این که سفارش بدهم آن را برای من بسازند.

نگته بعدی این که افراد خواه ناخواه، دنبال مدل و الگو در زندگی‌شان می‌گردند اما اغلب مدل قابل اتکا و سالم یافت نمی‌شود. گاهی کسی خاله و دایی یا هنرپیشه‌هایی را به عنوان الگوی خود قرار می‌دهد. این‌ها آدم‌هایی هستند که زیبایی و شهرت دارند یا در بُعدی از زندگی موفق عمل کرده‌اند یا آن فرد تصور می‌کند که موفق بوده‌اند. از آن طرف آن الگو و مدل ما پایبند به زندگی زناشویی نیست و در رسانه‌ها یا از نزدیک لمس می‌کنیم که زندگی‌اش به هم ریخته است و خیلی راحت تنوع‌طلبی می‌کند. نتیجه این می‌شود کسی که خاله، دایی یا آن هنرپیشه را الگوی خود قرار داده زندگی خود را بهم می‌ریزد تا به او برسد، چون می‌خواهد شیبه مدلس رفتار کند.

آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی ۸۸۴۹۸۷۱۱

گزارش

مهدی‌نیک‌ضمیر

آزیر قرمز کاهش ازدواج و افزایش طلاق در جامعه

آسیب‌های اجتماعی در کمین زوج‌هایی که فرد می‌شوند

کوچک‌ترین واحد جامعه است، اما زیربنایی‌ترین ساختاری است که رونمای جامعه از آن استحتکام می‌یابد و اگر دچار بحران شود تمامی ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی دستخوش فروپاشی می‌شوند. به همین خاطر هم هست که بسیاری از برنامه‌های غرب و استکبار جهانی این ساختار مستحکم را هدف قرار داده تا با تضعیف نهاد خانواده و عادی‌سازی جدایی زن و شوهر از یکدیگر مقدمات فروپاشی جامعه را هم فراهم آورند. بر این اساس یک روز ماهواره و سرپال‌های مبتذل ماهواره‌ای عاملی برای بدبینی زوجین به یکدیگر و جدایی می‌شوند و روز دیگر شبکه‌های اجتماعی تلگرام



■ طلاق، آسیبی ریشه‌دار

پدیده طلاق در جامعه امروز به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مطرح می‌شود که ریشه در تغییر و تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی دارد که با پیچیده‌تر شدن چالش‌های فردی و اجتماعی، بر نمودار صعودی حرکت می‌کند. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی سازمان ملی احوال کشور سال ۹۶ تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده نسبت به سال ۱۳۹۵، حدود ۸ درصد (۵۱ هزار مورد) کاهش داشته، در حالی که تعداد طلاق‌ها به حدود ۱۷۵ هزار مورد رسیده که بیشترین آمار ثبت‌شده در تاریخ ایران است. رشد بی‌سابقه جدایی و روند نزولی ازدواج در کشور موجب شده تا آزیر قرمز آسیب‌های اجتماعی در این حوزه به صدا درآید. این مسئله وقتی بیش از پیش اهمیت خود را نشان می‌دهد که بداندیم طلاق پدیده‌ای است که بر جوانب متعدد فردی و اجتماعی اثر می‌گذارد. به خصوص وقتی پای فرزندان یا فرزندانِ هم در زندگی مشترک در میان است. مطالعات روانشناختی نشان می‌دهد کودکانی که در خانواده‌های تکوالد بزرگ می‌شوند اغلب نمی‌توانند در تمامی جنبه‌ها رشد شخصیتی مناسبی داشته باشند و این مسئله موجب خواهد شد تا آسیب اجتماعی ناشی از جدایی زوج‌ها نه تنها متوجه اعضای خانواده بلکه متوجه کل جامعه و نسل آینده شود.

■ نگاه

■ از هم باشیدن زندگی ۲۰ زوج در هر ساعت

آمارها سیمای خوبی از وضعیت جامعه در حوزه ازدواج و طلاق ترسیم نمی‌کنند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در موضوع طلاق مطرح می‌شود، طول مدت زندگی مشترک است. اگر به سراغ آمار و ارقام برویم در این حوزه هم حال و روز خوشی نداریم چراکه درصد قابل توجهی از زوجینی که طلاق گرفته‌اند، حتی یک‌سالگی بیوندن ازدواج خود را هم جشن نگرفته و ظرف کمتر از یک سال طلاق گرفته‌اند.

میانگین طول زندگی مشترک در زوجینی که با طلاق مواجه شده‌اند در کشور ما ۲۸ سال است. بر اساس آمارهای موجود، دوام زندگی ۶۰ درصد طلاق‌های ثبت شده، کمتر از ۵ سال بوده که از این مقدار ۱۳ درصد آن طول زندگی مشترک‌شان به یک سال هم نکشیده‌است، اما نکته جالبی که در آمارهای ارائه شده از سوی مسئولان امر وجود دارد، تعداد بالای طلاق، در سنین بالاست، به طوری که ۳۰ درصد از ازدواج‌هایی که ۲۰ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته‌با طلاق مواجه شده‌اند. این گروه درست همان افرادی هستند که تا همین دیروز فرهنگ غالب ذهنی‌شان سازگاری و زندگی مشترک تا پایان عمر بود اما حالا خودشان هم وارد آمار و ارقام جدایی‌ها شده‌اند.

نرخ خالص طلاق هم شاخص دیگری است که با تقسیم‌تعداد طلاق بر جمعیت متأهل کشور به دست می‌آید و می‌تواند

مروری بر کتاب «طلاق» نوشته دکتر باقر ساروخانی

اعتدال اسلامی، معقول‌ترین راه‌پیشگیری از طلاق



مستثنی نیست از سوی دیگر، هر یک از عوامل به تنهایی معنا ندارند؛ بلکه تنها در مجموعه باشیکه معنا می‌یابند. تحقیق در زمینه طلاق، نیازمند بررسی عواملی چون روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و… است. بررسی معسول هر گز نمی‌تواند برای ارائه احکازهای پیشگیری از طلاق مؤثر واقع شود، بنابراین علاوه بر شناخت علل و عوامل چند بعدی طلاق، شدت و ضعف درجه اهمیت عوامل، باید تفکیک شوند. طلاق به عنوان پدیده‌ای که از داخل جامعه تأثیر می‌پذیرد، لاجرم بر آن تأثیرگذار نیز هست. از این رو تأثیر و تأثراتی که طلاق و جامعه بر هم دارند، مهم و قابل پیگیری است.

طلاق و قشربندی اجتماعی نیز رابطه معناداری

با لباس سفید به خانه بخت می‌رفتنند و باورشان این بود باید با کفن از خانه همسرشان بیرون بیایند. چنین باوری موجب می‌شد سازگاری میان زن و مرد تا حد زیادی افزایش یابد. در آن روزگار اما پدیده‌هایی همچون اعتیاد یا ماهواره و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به گستر دگی امروز وجود نداشتند. بنابراین می‌توان به روشنی طلاق را آسینبی دانست که خودش مولود آسیب‌های اجتماعی دیگری همچون اعتیاد، فقر و بیکاری و همچنین کم‌کاری‌های بخش‌های فرهنگی جامعه در اثر گذاری برنامه‌های هدفمند شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای است.

سال‌های اخیر سرپوش بگذارد. به عبارت دیگر اگر چه مطابق با آمارها شیب روند افزایش طلاق نسبت به گذشته کند شده، اما این کاهش ملایم در شیب طلاق به دلیل واقعیت دیگری است که در حوزه ازدواج رخ داده و آن چیزی نیست جز کاهش معنادار آمار ازدواج!

با چنین دیدگاهی با عنایت به آمار موجود درمی‌یابیم طی سال‌های اخیر نه فقط با کاهش طلاق مواجه نبوده‌ایم، بلکه سال ۹۵ با رسیدن نسبت ازدواج به طلاق به ۲/۹ یا بیشترین رشد در آمار طلاق مواجه بوده‌ایم، بدین معنا که در برابر هر ۲/۹ ازدواج یک طلاق داشته‌ایم. این در حالی است که در سال ۸۵ نسبت ازدواج به طلاق از سوی ثبت احوال ۸/۳ ثبت شده است. این اعداد بیانگر آن است که آمار طلاق در ۱۰ سال اخیر در ایران بیش از صد درصد افزایش یافته است.

رشد صد در صدی طلاق اما یعنی رشد آمار زنان سرپرست خاور و کودکانی که به‌صورت تک‌والد رشد و پرورش می‌یابند. آن‌طور که معصومه ابتکار معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری می‌گوید براساس اطلاعات به دست آمده از زنان سرپرست خاور در زمان حاضر، این زنان با جمعیت بالغ بر ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تن، ۱۲ درصد جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند. مطابق آمارهایی که سال گذشته وزارت کار منتشر کرد، طی یک دهه منتهی به سال ۱۳۹۵، میزان زنان سرپرست خنوار ۸۶ درصد رشد کرده‌است.

۴۳ درصد زنان سرپرست خنوار در کشور در دهک پایین به سر می‌برند و این بدین معناست که این زنان و فرزندانِی که تحت تکفل دارند در فقر و شرایط بد اقتصادی به سر می‌برند و نیازمند حمایت و توانمندسازی هستند تا خودشان و فرزندان‌شان بیش از پیش در چرخه آسیب‌های اجتماعی دچار چالش نشوند.

■ بحران پیش‌رو را جدی بگیریم

آسینب‌های اجتماعی در بسیاری از حوزه‌ها در حال تبدیل به بحران است. کاهش ازدواج و افزایش طلاق درباره تهدید بحران خانواده در کشور هشدار می‌دهد. بررسی آمارهای یک دهه گذشته در حوزه ازدواج و طلاق و همچنین نگاهی به دوام قرار دارد. زوجه ای مشترک نشان می‌دهد با تمام اصالتی که خانواده در سبک زندگی ایرانی اسلامی دارد با کم‌کاری‌های حوزه فرهنگی و همچنین بحران‌های اقتصادی که در سابه می‌تدبیر مسئولان شکل گرفته، خانواده ایرانی در معرض مخاطراتی قرار دارد. یعنی اگر دستگاه‌های مسئول برای توجیه ضعف‌های موجود در این حوزه به بازی‌های آمارِ روی‌بیاورد و واقعیت‌های آمارِی را معکوس جلوه دهد.

با یک حساب و کتاب سرانگشتی می‌توان دریافت که یک ساعت -۲۰ زوجه به دلایل مختلف از یکدیگر جدا می‌شوند. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در موضوع طلاق مطرح می‌شود، طول مدت زندگی مشترک است. اگر به سراغ آمار و ارقام برویم در این حوزه هم حال و روز خوشی نداریم چراکه همان‌طور که ذکر شد در سال ۱۳۹۴ درصد از زوجینی که طلاق گرفته‌اند، حتی یک‌سالگی بیوندن ازدواج خود را هم جشن نگرفته‌اند!

که هر یک بر دیگری و بر کل ساختار خانواده تأثیرگذار است. رفتار همدر رابطه با تأهل و تعدد احتمالی ازدواج، طلاق یا ایده‌آل و اندیشه‌مادر در رابطه با طلاق (یا بنفشی طلاق)، رفتار و عقاید پدر، خوهران و برادران بر اندیشه طلاق در یک خانواده تأثیرگذار است.

در همسرگزینی سه عنصر اساسی با ضرایب گوناگون مثل همتایی، تکمیل بیوند یا بسمیم و آمیزش عقل و احساس، باید مورد توجه قرار گیرد. وضع و شرایط اجتماعی و فردی، محیط خرد اجتماعی نیز از عوامل تأثیرگذار بر طلاق به شمار می‌آیند.

در فصل پنجم، ویژگی‌های طلاق، عوامل آن و رویکردهایی که در جوامع مختلف به طلاق وجود دارد، بر شمرده شده است. هر جا که در شبکه ارزش‌های اجتماعی، طلاق چندان

نامطلوب نیست، با آنکه کاملاً عادی و طبیعی تلقی می‌شود، شمار آن رو به فزونی می‌گذارد، تأثیراتی را بر زندگی خانوادگی او خواهد داشت. تصری می‌یابد و همانند نوعی بیماری همه‌گیر انواع اجتماعی درمی‌آید. در این جوامع، وجدان جمع که به نظر امیل دورکیم سرچشمه ارزش‌هاست دو موضع افراطی می‌یابد، نفی مغرط طلاق که بیشتر در میان کاتولیک‌ها وجود دارد و پذیرش افراطی آن که در آن جدایی مانند یک بیماری همه‌گیر، کل جامعه را در آشوب و بی‌ثباتی غرق می‌کند، به نظر نویسنده کتاب، تنها راه اعتدال اسلامی است. در این جامعه طلاق پدیده‌ای زشت و قبیح است. این نگاه هم طلاق را کاهش می‌دهد و هم جامعه را از انجم آن به عنوان آخرین راه بازی‌ماند.